

تأثیری که کرونا روی محیط زیست داشته به قدری شدید بوده که تعداد زیادی از مطالبات طرفداران محیط زیست را برآورده کرده، به شکلی که برخی حتی به طعنه بیان می‌کنند که شاید این ویروس را طرفداران محیط زیست در طبیعت رها کرده باشند.

از نظر محیط زیستی پدیده بیماری‌های فراگیر جزو گروه مخاطرات طبیعی محیط زیستی مثل سیل، زلزله و نظایر آن طبقه بندی می‌شوند. بیماری‌های فراگیر نه تنها مستقیماً جان انسان‌ها را تهدید می‌کند، بلکه کل زیست بوم (اکوسیستم) را با چالش روبرو می‌کند.

بخش محیط زیست از بحران کرونا هم آسیب‌هایی دیده و هم مزایایی برای آن ایجاد کرده است. یک آسیب چالش برانگیز، ماندن همیشگی مردم در خانه است. این موضوع باعث شده مردم آب، برق، سوخت خانگی (مثل گاز)، مواد غذایی، بهداشتی و حتی دارویی بیشتری مصرف کنند. این موضوعات باعث افزایش مصرف انرژی خانگی و تولید گازهای بیشتر از سوی این بخش، تولید فاضلاب بیشتر، افزایش فاضلاب، کاهش منابع آب آشامیدنی می‌شود. این همه‌گیری منجر به افزایش تولید مقادیر زباله‌های پزشکی و خطرناک می‌شود که رهاسازی آنها در طبیعت برای محیط زیست زیانبار خواهند بود.

از طرفی گزارش‌های اخیراً منتشر شده که نشان می‌دهد سگ و گربه‌های خانگی به این ویروس مبتلا شده‌اند. اگر این موضوع ثابت شود باید منتظر فاجعه‌ی بزرگی در صنعت دام و طیور، حیوانات خانگی و حتی حیات وحش باشیم. آنفلوآنزای خوک، پرنده‌گان و... قبلاً تجربه تلخی برای بشر بوده است.

بخش محیط زیست از بحران کرونا در بخشی از زمینه‌ها سودمند نیز شده است. در وهله اول همه‌ی جهان‌نیان متوجه شدند که رعایت قوانین طبیعی و زیست بومی چقدر مهم است. هر رفتار غیر طبیعی در زیست بوم مثل خوردن غیرمنطقی و غیرطبیعی حیواناتی مثل خفاش می‌تواند چه فاجعه بزرگی برای نسل بشری درست کند.

فراگیری جهانی بحران کرونا، کاهش چشمگیر فعالیت‌های صنعتی، ممنوعیت سفر و قرنطینه‌های خانگی و اجتماعی، محدودیت عبور و مرور در سراسر جهان، تأثیرات مثبتی نیز بر محیط زیست گذاشته است. سطح آلودگی هوا در برخی شهرها و مناطق کاهش چشمگیری نشان داده است. مطالعات اولیه نشان داده گاز مونواکسید کربن که عمدتاً توسط اتومبیل‌ها تولید می‌شود، در مقایسه با سال ۲۰۱۹ تقریباً ۵۰ درصد کاهش یافته است. از طرفی تولید گاز دی‌اکسید کربن که از طریق گرم کردن کره زمین در تغییرات آب و هوایی سهم دارد، نیز در روزهای اخیر کاهش یافته است. البته باید توجه داشته باشیم که تأثیرات مثبت این پدیده از جمله بهبود کیفیت هوا یا کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای موقتی هستند و همانطور که رییس برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد اعلام کرده است نباید این موضوع را به عنوان دستاوردی برای محیط زیست دانست.

فاطمه مؤمنی

هرکسی می‌توانست تحلیل خود از وقایع را منتشر کند. آزادی بیان وارد فاز جدیدی شده بود. با این وصف رسانه‌ها و روزنامه‌های جهان فهمیدند که یک گام باید به جلو بروند. دیگر نمی‌توانستند با قواعد سنتی مخاطب را پای رسانه خود نگه دارند. این شد که سرعت را چاشنی کار خود کردند. رقابت در دنیای روزنامه‌نگاری، پارامترهای سنتی را کنار گذاشت و تنها سرعت و دقت در انتشار خبر بود که باقی ماند.

همه می‌دانیم که کار تنها در این مرحله باقی نماند. پدید آمدن شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی گام مهمی بود که مفاهیم روزنامه‌نگاری را به کلی دچار دگرگونی اساسی کرد. دیگر امروز حتی سرعت انتشار اخبار هم نمی‌تواند بقای رسانه شما را تأمین کند! اگر در لحظه خبری که به دستتان می‌رسد را منتشر کنید؛ بردید و اگر نکنید؛ هستند کسانی که آن خبر را سریع‌تر از شما منتشر کنند. رقابت برای انتشار اخبار مهم و سرعت در انتشار آن‌هاست که فضای روزنامه‌نگاری جهانی را پابرجا نگه داشته است.

اما به ایران بازگردیم. تیر «اعتراض انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به جلوگیری دولت از انتشار نسخه کاغذی مطبوعات» یکی دو روز بعد از مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا در پی سیاست‌های جدید دولت برای فاصله‌گذاری اجتماعی منتشر شد. اعتراضی که شکاف عمیق درک رسانه و مطبوعات در ایران با جهان را نشان داد! شکافی که نشان می‌دهد مفاهیم سرعت در انتشار حقیقت، سرعت در انتشار تحلیل و دیگر مفاهیم امروز جهان رسانه‌ها، در بین حتی روزنامه‌نگاران ایرانی هم جا افتاده نیست! آن‌ها هنوز نتوانستند روزنامه‌نگاری در ایران را با معیارهای امروز جهان تنظیم کنند و وقتی ازشان خواسته شود که چند صباحی انتشار کاغذی روزنامه‌ها را متوقف کنند؛ این تصمیم را از جنبه‌های مختلفی همچون آزادی بیان و مسائل صنفی و معیشتی روزنامه‌نگاران مورد نقد قرار می‌دهند!

البته نمی‌توان منکر شد که تلنگر این وضعیت به روزنامه‌نگاران زده نشد. شنبه ۲۳ فروردین بود که حسن نمک دوست تهرانی در همشهری نوشت: «آیا ما روزنامه‌های کاغذی و روزنامه‌نگاران جرئت روبه‌رو شدن با واقعیت تلخی را داریم که در برابرمان قد علم کرده است؟ این واقعیت که شمار قابل ملاحظه‌ای از مردم، مقامات و حتی همکاران‌مان در رسانه‌های دیگر، بود و نبود مطبوعات کاغذی را علی‌السویه می‌دانند و بر این اعتقادند انتشار یا عدم انتشار روزنامه دیگر اهمیت و تفاوت معناداری در جامعه ندارد!»

با این وصف این طور به نظر می‌رسد که هنوز با وجود همه‌ی تحولات تاریخی در فضای روزنامه‌نگاری ایران و جهان، اگر پدربزرگ مرحوم من هم زنده بود، می‌توانست دنیای روزنامه‌نگاری امروز ایران را مانند دوران خود ببیند و با همان سبک و سیاق دهه‌های ۳۰ و ۴۰ در روزنامه‌های کشور کار کند! این یک درد است! دردی که من و هم‌نسل‌های من را به این فکر وامی‌دارد که کی «درد پدربزرگ گرای» در ایران به اتمام می‌رسد؟!

علیرضا صبا



پدربزرگ گرای! پدربزرگ می‌گوید. البته هیچ وقت این خاطره گفتن‌ها خشک و خالی نمی‌ماند و بعد از هر خاطره، کاغذ یا کتابی که از پدرش مانده را می‌آورد و نشانم می‌دهد. دوره‌ی جالبی از تاریخ معاصر را می‌توانم با چشمان خود ببینم و با دست‌های خود حس کنم! بوی کاغذهای کهنه‌ای که از روزگار جنگ جهانی دوم تا سال‌های پیش از انقلاب اسلامی به جا مانده، آدم را دیوانه می‌کند! پدربزرگ می‌گوید که پدربزرگ مرد ادیب و دانشمندی بود. از دوستی‌ها و رفاقت‌های پدرش با استاد باستانی پاریزی می‌گوید. از اینکه اگر جبر زمانه به این بی‌رحمی بر پدرش فشار نمی‌آورد؛ شاید اکنون یک برگ از دفتر زرین تاریخ ادبیات ایران عزیز نام خانوادگی ما را به یادگار می‌برد...

از کتاب‌ها و یادداشت‌ها و آثار به جامانده از پدربزرگم می‌فهمم که این همه علاقه‌ای که به روزنامه‌نگاری و مطالعه علوم انسانی دارم میراث اجدادی من است! حال و هوای آن یادداشت‌ها و روزنامه‌های محلی که پدربزرگم آن زمان می‌نوشت و منتشر می‌کرد، حس زیبایی و صفا ناپذیری است که شما را به وجد می‌آورد تا بروید و برگ‌های دفتر تاریخ مطبوعات ایران را ورق بزنید.

حقیقت این است که روزنامه‌نگاری زمان پدربزرگم، پدربزرگم و من تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. حتی اگر به عقب‌تر از پدربزرگم برگردیم لحظه به لحظه تفاوت‌های تاریخی روزنامه‌نگاری هر دوره با دوره قبل را می‌بینیم. در هر دوره روزنامه‌نگاران که افرادی اجتماعی و دغدغه‌مند بودند؛ با درک شرایط جامعه خود، پیچ و خم‌های تاریخ ایران را با دقت طی کردند تا میراث روزنامه‌نگاری زنده بماند و به دست ما برسد. تا آزادی بیان به عنوان یک دستاورد انسانی، گام به گام، از جامعه‌ای که زمانی تنها صدای قدرت شاهان قاجار در آن طنین‌انداز بود، آرام آرام عبور کند و امروز هدیه آنان به ما باشد.

اما در این دوره حقیقت روزنامه‌نگاری با دگرگونی مواجه شده است. از آغاز قرن بیست و یکم که وبلاگ‌ها و سایت‌های خبری پا به عرصه وجود گذاشتند؛ مفاهیم روزنامه‌نگاری دست‌خوش دگرگونی اساسی شد. روزنامه‌نگاری و رسانه به دست عموم مردم افتاد. دیگر خبری از مصلحت‌اندیشی‌ها و عاقبت‌اندیشی‌ها در تهیه و یا انتشار اخبار نبود. در آغاز این قرن بود که در آمریکا همین وبلاگ‌ها و رسانه‌های مردمی ترنت لانت، سناتور جمهوری خواه را از رهبری این حزب در سنا پایین کشیدند. فناوری مردم و شهروندان را از مخاطب محض بودن خارج کرد و آن‌ها را تبدیل به روزنامه‌نگاری کرد که خود می‌توانستند کار روزنامه‌نگاری خود را انجام دهند.